



امام علی(ع) چگونه درب خیبر را گشود+پاسخ عالم سنی

فخر رازی در تفسیر کبیر آورده است: هر کس بر احوال غیب وقوف بیشتر داشته باشد، قلبی قوی‌تر و اعصابی محکم‌تر دارد، از این روست که علی(ع) می‌فرماید: به خدا سوگند که در خیبر را با نیروی بدنی نکندم بلکه آن را با نیروی الهی از جای در آوردم.

فخر رازی در تفسیر کبیر آورده است: هر کس بر احوال غیب وقوف بیشتر داشته باشد، قلبی قوی‌تر و اعصابی محکم‌تر دارد، از این روست که علی(ع) می‌فرماید: به خدا سوگند که در خیبر را با نیروی بدنی نکندم بلکه آن را با نیروی الهی از جای در آوردم.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، 24 رجب سالروز فتح خیبر به دست امیرالمؤمنین(ع) در سال هفت هجری است، درباره منطقه خیبر گفته شده است، این مکان به سه منطقه تقسیم و هر منطقه شامل چند قلعه بزرگ و کوچک بود که مزارع سرسبز داشت، یکی از آن‌ها منطقه «دژ نطاة» یعنی تاج خوشه خرما، دیگری منطقه «دژ شق» برادر و سومی هم «دژ کتیبه» یعنی دسته‌ای از لشکریان نام داشت.

قلعه‌های صعب بن معاذ، ناعم و زبیر در منطقه نطاة و قلعه‌های ابی و نزار در منطقه شق و قلعه‌های قموص، وطیح و سلالم در منطقه کتیبه واقع بود، این قلعه‌های استوار مأمن، مخزن اموال، انبار اسلحه و غلات و علوفه بود که هنگام بروز خطر احشام خود را به داخل قلعه‌ها برده و آماده دفاع می‌شدند.

باقی یهودیان مدینه که به خیبر پناه برده بودند، در آنجا به تحریک دشمنان اسلام پرداختند، پیامبر(ص) هم بعد از صلح حدیبیه درصدد فتح مکه بودند و به همین خاطر باید خاطرشان را حضور مخرب یهودیان شمال مدینه آسوده کنند، پس حدود سه هفته بعد از انعقاد صلح حدیبیه به سوی خیبر حرکت کرد، یهودیان که از این لشکرکشی خبردار شدند، مردان جنگی را در دو قلعه نطاة و قموص و زنان و کودکان را در دژ کتیبه جای دادند، سلاح و تدارکات را در دژ شق جمع کردند و علوفه را در قلعه صعب بن معاذ انباشتند.

محاصره خیبر طولانی شد و گرسنگی به سپاه اسلام به خاطر کمبود مواد غذایی فشار وارد کرد، مسلمانان ابتدا قلعه ناعم، سپس قلعه‌های نطاة، شق، قموص، وطیح و سلالم را فتح کردند، ولی تا فتح قلعه صعب بن معاذ مسلمانان همچنان دچار عسرت و بی‌غذایی بودند.

مقاومت قموص که اشراف یهود در آن بودند، از همه بیشتر بود، بزرگان صحابه از فتح آن عاجز بودند تا اینکه پیامبر(ص)، امام علی(ع) را مأمور فتح آن قلعه کرد و ایشان حماسه‌ای چنان بزرگ آفرید که تاریخ اسلام هرگز آن را فراموش نخواهد کرد، امیرالمؤمنین با کشتن سردار قهرمان یهود مرحب حمیری و برادرش یاسر و چند پهلوان دیگر یهود و با نمایش قدرت فوق بشری خود در پرش از روی خندق قموص و کندن در سنگی قلعه و به کار بردن آن به جای سپر و هجوم برق آسا به داخل قلعه و نابود کردن فوری همه مقاومت‌ها و اسیر گرفتن همه زنان و کودکان، چنان رعبی در دل خیبریان افکند که قدرت هر گونه دفاع را از آنان سلب کرد و یهودیان به ناچار تسلیم شدند.

*روایتی از حماسه‌ای بی‌نظیر در خیبر

اسناد تاریخی راجع به عملیات فتح خیبر و نیز از جا کندن درب خیبر و سپر ساختن آن توسط امام علی(ع) متواتر است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

-ابن اسحاق سیره نویس و مورخ اسلام حدیث زیر را از «سلمة بن عمر و الاکوع» صحابی رسول الله(ص) روایت کرده است:

پیغمبر رایت (پرچم) خویش را به ابوبکر صدیق داد و او را به یکی از قلاع خیبر فرستاد، او برفت و منتهای کوشش را به کار برد، اما توفیقی به دست نیاورد و فتح ناکرده بازگشت، روز دیگر خلیفه دوم را فرستاد، او هم برفت و جهد بسیار کرد، اما کاری از پیش نبرد و برگشت، آنگاه رسول الله(ص) فرمود: همانا فردا این رایت را به مردی خواهم داد که خدای و رسول او را دوست دارد و خدا و رسول او هم او را دوست دارند، خدا خیبر را به دست او می‌گشاید، او هرگز نمی‌گریزد.

پس علی رضوان الله علیه را بخواند و به فرمود: این رایت را بگیر و آن را با خود ببر تا خدای خیبر را بر تو بگشاید، علی با آن رایت از نزد رسول الله(ص) بیرون آمد. به سرعت می‌دوید و نفس می‌زد، ما هم در پی او رفتیم تا اینکه رایت خود را در زیر دیوار قلعه بر کومه‌ای از سنگ نشانده. جهودی از فراز قلعه سر برآورد و گفت: تو کیستی؟ گفت: علی بن ابیطالب، جهود گفت:

سوگند به کتابی که بر موسی نازل شده غلبه کردید، سلمه گوید: علی از آن جنگ برنگشت تا خدا خیبر را به دست او نگیرد.

-قتیبه بن سعید از یعقوب بن عبدالرحمن زهری از ابوحازم و او از سهل بن سعد ساعدی حدیث رایت را چنین آورده است:

در روز خیبر پیغمبر فرمود: این رایت را فردا به مردی خواهم داد که خدای این دژ را به دست او می‌گشاید، او خدای و رسول او را دوست دارد و خدای و رسول او هم او را دوست دارند. چون بامداد روز دیگر شد مردم نزد پیغمبر گرد آمدند، همه امیدوار دریافت رایت بودند، آن حضرت فرمود: علی بن ابیطالب کجاست؟ گفتند: یا رسول الله او از درد چشم رنج می‌برد. فرمود کسی را دنبالش بفرستید. پس علی(ع) را نزد پیغمبر آوردند. ... علی در دم از آن درد شفا یافت به طوری که گویی دردی نداشته است، پس پرچم را بدو داد، علی گفت: ای رسول خدا آیا باید آن قدر با آن‌ها بجنگم که مثل ما شوند؟ فرمود: راه بیفت و تا پای قلعه پیش برو، آنگاه آنان را به اسلام دعوت کن و آنچه را از سوی خدا برایشان واجب است به همه خبر بده، زیرا اگر خدای تنها یک نفر را به وسیله تو به راه راست هدایت کند برای تو از آن سودمندتر است که شتران سرخ مو داشته باشی! این حدیث را عموم محدثین شیعی و سنی با الفاظ مختلف روایت کرده‌اند.

-امام فخر رازی در تفسیر کبیر ذیل آیه «ام حسبنا ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من آیاتنا عجبا» آورده است: «هر کس بر احوال غیب وقوف بیشتر داشته باشد قلبی قوی‌تر و اعصابی محکم‌تر و مسلط‌تر دارد. از این روست که علی بن ابیطالب(ع) می‌فرماید: به خدا سوگند که در خیبر را با نیروی بدنی نکنم بلکه آن را با نیروی ملکوتی و الهی از جای در آوردم.